

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«طرح الزام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی به حذف سود و جریمه

مضاعف از بدهی تسهیلات گیرندگان»

مقدمه

سابقه این طرح به بند «و» تبصره «۱۶» قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کشور^۱ بازمی‌گردد. این بند قانونی به دلیل ابهام‌های متعدد و قابل توجه، اجرایی نشد و نمایندگان در قالب طرح یک‌فوریتی «طرح اصلاح قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور» به دنبال اصلاح آن در کنار برخی موضوع‌های دیگر بودند. با توجه به اعلام شورای نگهبان در خصوص مغایرت این طرح با اصل پنجاه و دوم (۵۲) قانون اساسی و نظریه تفسیری شماره ۲۸۷ مورخ ۱۳۷۴/۳/۱۷ این شورا به دلیل بار مالی برخی دیگر از مواد این طرح و همزمان شدن با بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۸، نمایندگان مجلس پیگیری این موضوع را در قالب الحاق به لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ (بند «۱» الحاقی تبصره «۱۶») دنبال کردند. لکن جزء «۲» تا «۵» بند «۱۱» نظر مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۸ شورای نگهبان در خصوص مصوبه مزبور، اشعار داشت:

«۲-۱۱-۱» اطلاق جزء «۱» بند الحاقی ۱، نسبت به غیرمعدورین، تبعیض ناروا و مغایر بند «۹» اصل سوم (۳) قانون اساسی شناخته شد. همچنین اطلاق این جزء نسبت به بخش خصوصی در صورت تحقق اجحاف، خلاف موازین شرع شناخته شد.

۳-۱۱-۱» اطلاق جزء «۴» بند الحاقی ۱، نسبت به تسهیلات‌گیرندگان بیش از بیست میلیارد ریال، تبعیض ناروا و مغایر بند «۹» اصل سوم (۳) قانون اساسی شناخته شد.

به‌رغم اینکه مجلس در مصوبه ۱۳۹۷/۱۲/۱۹ خود حکم مزبور را اصلاح کرد، شورای نگهبان همچنان ایراد مزبور را باقی دانست. مجلس بر مصوبه خود اصرار کرد که مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۵ خود، نظر مجلس را مطابق با مصلحت تشخیص نداد و بدین ترتیب این بند الحاقی از بودجه سال ۱۳۹۸ حذف شد. در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۲۵ بار دیگر نمایندگان مجلس طرح مذکور را با دوفوریت در صحن علنی مجلس تصویب کردند و در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار دادند. در این گزارش به بررسی ابعاد مختلف طرح و استدلال موافقان و مخالفان طرح مزبور و نهایتاً ارائه پیشنهاد‌های اصلاحی پرداخته می‌شود.

۱. ورود قانونگذار به موضوع بخشش جرائم بانکی؛ پیامدهای مثبت و منفی

به طور کلی و اصولی، هرگونه دخالت پسینی قانونگذار در خصوص بخشش جریمه دیرکرد (مابه‌التفاوت نرخ وجه التزام و نرخ سود) یا بخشش سود در بازپرداخت تسهیلات بانک‌ها با هدف کمک به بدهکاران اعم از واحدهای تولیدی و سایر اقشار

مشخصات طرح

دوره دهم - سال چهارم

شماره ثبت:
۵۹۸

شماره چاپ:
۱۴۶۶

تاریخ چاپ:

معاونت پژوهش‌های
اقتصادی

دفتر: مطالعات

اقتصادی

سایر دفاتر: مطالعات

انرژی، صنعت و معدن
مطالعات حقوقی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:
۲۲۰۱۶۵۴۱

تاریخ انتشار:
۱۳۹۸/۴/۳۱

۱ به منظور تشویق تولیدکنندگان و تسویه مطالبات بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری چنانچه مشتریان بدهی معوق خود را که تا پایان سال ۱۳۹۶ سررسید شده باشد از تاریخ سررسید تا پایان شهریورماه ۱۳۹۷ تسویه کنند، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری مکلفند اصل و سود خود را مطابق قرارداد اولیه و بدون احتساب جریمه دریافت و تسویه کنند.

هرچند ممکن است در کوتاه مدت و به صورت فردی، تسهیل یا گشایشی را ایجاد کند ولی به طور قطع به دلیل تشویق بدحسابی و افزایش انگیزه عدم بازپرداخت تسهیلات به این امید که روزی قانونگذار یا دولت، جریمه یا تنبیه مالی ناشی از تأخیر را در پرداخت تسهیلات خواهد بخشید، موجب کژکارکردی در کل نظام اقتصادی و مالی می شود و نظم حاکم بر نظام پولی و بانکی را از بین خواهد برد. تصویب این نوع از قوانین تنبیه خوش حسابی و تشویق بدحسابی است و انگیزه پرداخت به موقع اقساط تسهیلات را خواهد گرفت. از سوی دیگر چنانچه منابع لازم برای تأمین هزینه های اجرای این قسم از احکام در بودجه دولت دیده نشده باشد، منجر به فشار بر ترازنامه بانک ها و ایجاد زیان می شود که مهم ترین پیامد آن کاهش توان تسهیلات دهی بانک ها است. از سویی تأثیر این جنس از قوانین در بلندمدت بر انجماد دارایی ها (مطالبات بانک ها ناشی از اعطای تسهیلات که بیش از ۵۰ درصد دارایی های بانک ها را تشکیل می دهد) و افزایش زیان در شبکه بانکی، در نهایت منجر به افزایش نرخ سود تسهیلات (افزایش مابه التفاوت نرخ سود تسهیلات و نرخ سود سپرده) در شبکه بانکی می شود. لذا در میان مدت و بلندمدت این جنس از طرح ها به کاهش توان تسهیلات دهی بانک ها و افزایش نرخ سود تسهیلات منجر خواهد شد که اتفاقاً همواره مورد انتقاد فعالان تولیدی و مسئولان اجرایی و نمایندگان مجلس بوده است.

موافقان طرح معتقدند که بانک ها تخلفاتی گسترده در محاسبه مانده بدهی تسهیلات گیرندگانی که اقساط خود را در موعد مقرر پرداخت نکرده اند و یا تسهیلات خود را استمهال کرده اند (یا بانک ها اقدام به امهال تسهیلات کرده اند) صورت داده اند و از این مسیر بدهی سنگینی بر تسهیلات گیرندگان بار شده است. تولیدکنندگان به دلیل این بدهی های غیرجاری عملاً امکان اخذ تسهیلات جدید را ندارند و فعالیت تولیدی آنها در معرض تعطیلی است یا تعطیل شده است. سؤالی که در این زمینه می توان طرح کرد آن است که آیا همه بانک ها این تخلفات را انجام داده اند؟ اگرچه وجود تخلفات برخی از بانک ها محرز است، اما تسری این امر به تسهیلات همه بانک ها بلاوجه است و صحیح آن است که تنها بانک هایی که از قوانین و مقررات موجود تخلف کرده اند جریمه شوند. بر این اساس تمرکز اصلی طرح می بایست بر احصای بانک های متخلف و اصلاح مانده بدهی تسهیلات گیرندگان آن بانک ها باشد.

نکته دیگری که ممکن است به عنوان فایده این طرح بیان شود آن است که این حکم باعث خواهد شد تسهیلات گیرندگانی که بدهی غیرجاری به بانک ها دارند، انگیزه پیدا کنند که با توجه به امتیازاتی که در نظر گرفته شده، اقدام به تسویه بدهی خود کنند. با توجه به امهال های صورت گرفته و با توجه به اینکه جریمه تأخیر در این طرح بخشیده می شود، براساس این طرح مانده مطالبات بانک ها (دارایی بانک) کاهش خواهد یافت و بایستی زیان شناسایی شود. اما ممکن است بیان شود بدون این طرح امیدی به بازپرداخت این مطالبات نیست و بانک باید همه این قسم از مطالبات را زیان شناسایی کند، اگرچه در حال حاضر آن را تسهیلات جاری محسوب می کند. لذا درواقع این طرح ممکن است زیان واقعی بانک را کاهش دهد. پاسخ به این سؤال که آیا این طرح به نفع بانک می شود یا خیر، به میزان اقساط پرداخت شده این قسم از تسهیلات گیرندگان، میزان تخلف بانک درخصوص نحوه محاسبه مانده بدهی و روش امهال (گنجاندن وجه التزام در مانده بدهی در هنگام امهال یا عدم آن) و تأثیر این طرح بر انگیزه بازپرداخت بدهی های غیرجاری از یک سو و میزان بازپرداخت احتمالی این تسهیلات در صورت عدم تصویب این طرح از سوی دیگر بستگی دارد و بدون اطلاعات دقیق از وضعیت تسهیلات بانک ها نمی توان به این امر پاسخ داد. البته این نکته نیز مهم است که اگر بانک اجرای این طرح را به نفع خود بداند، خود می تواند به صورت داوطلبانه اقدام به این کار کند.

۲. تبعیض ناروا بین مشتریان بانکها

طرح مذکور به طور کلی دو مزیت برای تسهیلات گیرندگان موضوع این مصوبه (کسانی که به هر دلیل از بازپرداخت تسهیلات بانکی سر باز زده‌اند)، در نظر گرفته است: اولی بازگشت به قرارداد اولیه (به معنای آخرین قرارداد پیش از تاریخ ۱۳۹۳/۱/۱) و دومین مزیت، بخشش جریمه دیرکرد (مابه‌التفاوت نرخ وجه التزام و نرخ سود) است. این دو مزیت در حالی برای برخی تسهیلات گیرندگان بانکها (دارای بدهی غیر جاری در حال حاضر) در نظر گرفته می‌شود که تعداد زیادی از اشخاص حقیقی و حقوقی به‌رغم مشکلات اقتصادی با همان رویه پیش از این مصوبه، تسهیلات خود را تسویه کرده‌اند. درواقع این طرح پیشنهادی به معنای تنبیه خوش‌حسابی و تشویق بدحسابی است. نکته‌ای که درخصوص روش محاسبه سود و وجه التزام و تسهیلات امهالی و یا جایگزین بانکها - که اتفاقاً بخشی از آنها به موجب قانون مجلس بوده است - وجود دارد، آن است که چنانچه این روش غیرقانونی و نادرست بوده، وجوه دریافت شده از اشخاصی که تسهیلات را پرداخت کرده‌اند، نیز باید به ایشان بازگردانده شود و نباید از این منظر نیز تبعیضی قائل شد.

۳. تحمیل زیان به بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی و کاهش درآمدهای دولت

بند «۸» طرح عنوان کرده است که بانکها موظفند زیان ناشی از این قانون را طی پنج سال مستهلک کنند و این زیان به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی محسوب می‌شود. با توجه به نرخ ۲۵ درصدی مالیات بر عملکرد، در صورت سودده بودن بانک ۷۵ درصد زیان ناشی از این طرح بر سهامداران بانکها (اعم از دولتی یا غیردولتی) و ۲۵ درصد آن بر دولت تحمیل می‌شود.

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد تخلف «برخی» از بانکها در نحوه محاسبه مانده بدهی «برخی» از مشتریان قابل انکار نیست، ولی نکته اینجاست که همه بانکها در همه قراردادهای تسهیلات متخلف نیستند، یعنی بسیاری از بانکها در بسیاری از قراردادهای مطابق با قوانین و مقررات سود و وجه التزام از مشتریان خود مطالبه کرده‌اند اما این طرح نه تنها تفاوتی بین قراردادهای منطبق با مقررات، با قراردادهایی که برخلاف مقررات تنظیم شده‌اند در یک بانک، قائل نیست بلکه کل شبکه بانکی اعم از بانک‌هایی که شاید حتی یک مورد از این دست تخلفات ندارند را مشمول این طرح می‌داند و به دلیل اینکه برخی از بانکها در محاسبه مانده بدهی تخلف کرده‌اند، بانکهای سالم را نیز ملزم می‌کند زیان ناشی از بخشش وجه التزام را متحمل شوند. این رویه یک اجحاف مسلم است به سهامداران بانک‌هایی که براساس قوانین و مقررات عمل کرده‌اند. رویه منطقی و عادلانه، پیش‌بینی سازوکاری برای رسیدگی سریع و اثربخش به شکایات بدهکاران بانکی توسط یک شخص ثالث و برخورد با بانکهای متخلف است.

همان‌طور که اشاره شد، در صورت سودآوری بانک، ۷۵ درصد زیان ناشی از این طرح از جیب سهامداران بانکها (دولت، بخش خصوصی یا نهادهای عمومی غیردولتی و ...) و ۲۵ درصد زیان این طرح توسط دولت با کاهش درآمد مالیاتی جبران شده است.^۱ اما معلوم نیست زیان ناشی از این مصوبه چقدر است و این مصوبه در شرایط تنگنای مالی دولت چه قدر از درآمدهای مالیاتی آن را کاهش می‌دهد و یا چه قدر زیان به شبکه بانکی تحمیل می‌کند. نکته قابل ذکر در اینجا این است که بار مالی این طرح از دو مجرا بر دولت تحمیل می‌شود ۱. کاهش سود ویژه دولت از عملکرد بانکهای دولتی و ۲. کاهش درآمدهای مالیاتی دولت.

۱. چنانچه بانک زیانده باشد، کل هزینه برعهده سهامداران بانک خواهد بود.

۴. حذف ربح مرکب در تسهیلات و ابقای آن در سپرده‌ها

طرح مورد بحث مدعی است که می‌خواهد ربح مرکب را از شبکه بانکی حذف کند. درواقع طراحان معتقدند که در محاسبه مانده بدهی تسهیلات‌گیرندگان به‌ویژه آن دسته از اشخاصی که تسهیلات خود را امهال کرده‌اند، عملاً ربح مرکب منظور شده است. بر این اساس چنانچه برخلاف قوانین و مقررات این امر صورت گرفته باشد، باید رسیدگی شود و بانک متخلف علاوه بر اصلاح مانده بدهی تسهیلات‌گیرنده، جریمه نیز شود. البته بدیهی است که تسری این امر به همه بانک‌ها بدون بررسی وجود تخلف آن چنانچه در این طرح آمده است، صحیح نیست. در بعد قانونی نیز به‌رغم اینکه ربح مرکب امری نامشروع است و حذف آن موضوعی مطلوب و شایان پیگیری است، اما این طرح ناظر به تسهیلات اعطایی در گذشته است و پیشنهادی برای تسهیلاتی که بانک‌ها از این به بعد اعطا می‌کنند ندارد. **بر این اساس قابل پیش‌بینی است که چند سال دیگر نیز چنین معضلی مجدداً تکرار شود.** از سوی دیگر وجود ربح مرکب در سپرده‌ها و بدهی بانک‌ها به مشتریان، نیز همان قدری ناشایسته است که وجود آن در تسهیلات و مطالبات بانک‌ها از مشتریان. در صورتی که طرح در پی حذف ربح مرکب از شبکه بانکی است باید حذف آن در هر دو سمت تسهیلات و سپرده‌ها را با روشی عادلانه و دور از اجحاف سرلوحه قرار دهد.

۵. بررسی طرح پیشنهادی از منظر حقوقی

با توجه به تاریخچه مفاد این طرح که در مقدمه بیان شد، کلیت این طرح اگرچه در قالب اصلاحیه بودجه مطرح نشده است، اما به جهت ارتباط با احکام مزبور در قانون بودجه این احتمال وجود دارد که مجدداً «مغایر اصل پنجاه و دوم (۵۲) قانون اساسی و نظریه تفسیری شماره ۲۸۷ مورخ ۱۳۷۴/۳/۱۷ شورای نگهبان» ارزیابی شود.

اینکه برخی بانک‌ها در بعضی سال‌ها از ضوابط ابلاغی بانک مرکزی درخصوص نحوه محاسبه سود و جریمه تخطی کرده‌اند و اقدام به اخذ وجه التزام مرکب در قالب قراردادهای جدید یا نظایر آن کرده‌اند و در نتیجه، مانده بدهی تسهیلات‌گیرندگان، افزایش قابل توجهی کرده است، باید از طریق صحیح رفع شود و تصویب مکرر قانون در این مورد، به جای برخورد متناسب با متخلفان و افزایش نظارت مؤثر بر بانک‌ها در این خصوص، به نظر می‌رسد از مصادیق نظام اداری ناصحیح بوده که با بند «۱۰» اصل سوم (۳) قانون اساسی مغایرت دارد. در بند «۱»، اطلاق الزام بانک به ابطال قراردادهای بعدی به درخواست مشتری، در صورتی که آن قراردادهای مطابق تشریفات قانونی منعقد شده و مبتنی بر رضایت طرفین بوده باشد، با حقوق اشخاص و امنیت قضایی عادلانه (موضوع بند «۱۴» اصل سوم (۳) قانون اساسی)، مغایر به نظر می‌رسد. به‌خصوص با توجه به اینکه برخی از این قراردادهای ناظر به احکام قانونی مجلس مبنی بر امهال تسهیلات بوده است که براساس آن، بانک‌ها مکلف بوده‌اند مطابق قراردادهای جدید، به دریافت‌کنندگان تسهیلات مهلت دهند.

- اطلاق حکم بند «۸»، به دلیل **کاهش منابع عمومی**، موجب کاهش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود، واجد بار مالی بوده و با اصل هفتاد و پنجم (۷۵) قانون اساسی مغایر است. با توجه به اینکه طبق نظر تفسیری شورای نگهبان، مصوبات مغایر با اصل مزبور، قابل اصرار توسط مجلس و ارسال به مجمع تشخیص مصلحت نظام نیستند، باید این ایراد با معرفی محل تأمین بار مالی آن، رفع شود.
- همچنین حکم به تکلیف بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی به تسویه بدهی بخشی از مشتریانانشان طبق قرارداد اولیه و بدون احتساب جریمه، از آنجایی که مطلق بانک‌های دولتی و خصوصی را مکلف می‌کند تا برخلاف قرارداد فی‌مابین آنها با مشتریانانشان، اقدام به بخشیدن جریمه‌های اختصاص یافته به تسهیلات مزبور کنند، از آنجا که به کاهش درآمد بانک‌های خصوصی موضوع این حکم منجر می‌شود، با حقوق اشخاص خصوصی مغایر بوده و موجب اضرار به آنها می‌شود. از این رو، این بند با اصل چهلم (۴۰) قانون اساسی مغایر به نظر می‌رسد.

• ادبیات بند «۹» مبنی بر برخورد با متخلفان طبق ماده (۴۴) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، درست نیست زیرا مفاد ماده (۴۴) مزبور شامل تخلفات مندرج در این طرح نمی‌شود. ماده (۴۴) اشعار می‌دارد: «تخلف از سایر مقررات این قانون و آیین‌نامه‌های آن و دستورات بانک مرکزی ایران که به موجب این قانون یا آیین‌نامه‌های آن صادر می‌شود موجب مجازات‌های انتظامی ...^۱ خواهد بود». باید به جای عبارت مزبور، بیان شود که متخلفان از اجرای این مصوبه، مشمول مجازات‌های مقرر در ماده (۴۴) مزبور می‌شوند.

جمع‌بندی و پیشنهادها

گلایه‌های فعالان تولیدی، مسئولان اجرایی و نمایندگان مجلس از بانک عمدتاً متمرکز بر نرخ سود بالای تسهیلات بانکی و عدم اعطای تسهیلات از سوی شبکه بانکی است. متأسفانه «طرح الزام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی به حذف سود و جریمه مضاعف از بدهی تسهیلات‌گیرندگان» در میان مدت دو آسیب فوق در شبکه بانکی را تشدید می‌کند. درواقع مفاد این طرح باعث کاهش انگیزه بازپرداخت تسهیلات‌گیرندگان برای بازپرداخت می‌شود که منجر به ایجاد زیان در ترازنامه بانک و کاهش جریان نقد ورودی به بانک می‌شود. علاوه بر این همانطور که در موارد پنجگانه اشاره شد طرح مذکور متضمن تبعیض، تحمیل بار مالی بر دولت و افزایش زیان انباشته بانک‌ها و مؤسسات اعتباری است و با تشویق بازیگران بدحساب و مغبون ساختن مشتریان خوش حساب شبکه بانکی، تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی را دشوارتر می‌سازد. با توجه به تاریخچه این طرح و اشکال‌های عدیده آن، به خصوص مغایرت با اصول پنجاه و دوم (۵۲) و هفتاد و پنجم (۷۵) قانون اساسی، به نظر چنین طرحی با همان ایرادهای سابق روبه‌رو خواهد شد و نظر این مرکز در اولویت نخست مخالفت با کلیات این طرح به شکل کنونی است.

از سوی دیگر با توجه به اینکه در عمل، برخی از بانک‌ها تخلفاتی در روش محاسبه نرخ سود و وجه التزام و امهال تسهیلات داشته‌اند و این امر مشکلات فراوانی را برای تولیدکنندگان و سایر اقشار ایجاد کرده است، پیشنهاد می‌شود در طرح مزبور به جای بخش جریمه و بازگشت به قرارداد اولیه (براساس تاریخ‌های ذکر شده در متن طرح) برای کلیه قراردادهای، سازوکاری برای شناسایی بانک‌های متخلف و تسهیلات اعطایی از سوی آنها طراحی شود و سپس مانده بدهی تسهیلات‌گیرندگان به روش صحیح محاسبه و از ایشان مطالبه شود. از سوی دیگر چنانچه تسهیلات‌گیرندگان، سود سپرده بالاتری نسبت به نرخ‌های ابلاغی از سوی بانک مرکزی از شبکه بانکی دریافت کرده‌اند، بانک مرکزی باید مابه‌التفاوت سود دریافتی را به مانده بدهی اعلام شده از سوی سامانه اضافه کند و سازوکار تسویه بین بانکی وجوه ناشی از این انتقال را فراهم کند. در این راستا پیشنهاد ذیل ارائه می‌شود:

ماده (۱) - بانک مرکزی موظف است سامانه‌ای برای محاسبه مانده بدهی تسهیلات‌گیرندگان براساس قوانین و مقررات ابلاغی شورای پول و اعتبار ناظر بر نحوه محاسبه سود و وجه التزام را طراحی کرده تا اشخاص با ورود اطلاعات مربوط به تسهیلات و همچنین اقساط پرداختی و زمان آنها امکان محاسبه صحیح مانده بدهی خود به بانک را داشته باشند. بانک‌ها موظفند مانده بدهی تسهیلات‌گیرنده را براساس مانده بدهی اعلام شده از سوی این سامانه اصلاح کنند. همچنین بانک‌ها موظفند همه اطلاعات مربوط به قرارداد و اقساط

۱. تذکر کتبی به مدیران یا متصدیان متخلف.

۲. پرداخت مبلغی روزانه تا حداکثر دویست هزار ریال برای ایام تخلف.

۳. ممنوع ساختن بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی از انجام بعضی امور بانکی به طور موقت یا دائم.

مرجع رسیدگی به تخلفات موضوع این ماده و صدور حکم به مجازات‌های انتظامی، هیئت انتظامی بانک‌ها خواهد بود که مرکب است از نماینده دادستان کل، یک نفر نماینده کانون بانک‌ها و یک نفر از اعضای شورای پول و اعتبار به انتخاب شورا. دبیر کل بانک سمت دادستان هیئت را خواهد داشت.

احکام هیئت انتظامی ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در شورای پول و اعتبار خواهد بود و رأی شورا قطعی است.

پرداختی مشتریان و زمان آنها را در اختیار مشتریان قرار دهند. چنانچه تسهیلات گیرندگان موضوع این بند، سود سپرده بالاتری از نرخهای مصوب بانک مرکزی (شورای پول و اعتبار) دریافت کرده‌اند، بانک مرکزی موظف است مابه‌التفاوت را به مانده بدهی اعلام شده از سوی سامانه اضافه کند و سازوکار نقل و انتقال وجوه ناشی از این بخش بین بانک‌ها را فراهم کند.

با توجه به ضرورت تشویق خوش‌حسابی در شبکه بانکی و اینکه بسیاری از تسهیلات‌گیرندگان اقساط خود را در زمان مقرر پرداخت کرده‌اند، می‌بایست امتیازاتی در این راستا برای ایشان در نظر گرفته شود. بر این اساس:

ماده (۲) - هریک از تسهیلات‌گیرندگانی که در دوره مذکور اقساط خود را به‌موقع پرداخت نموده‌اند و هیچگونه بدهی غیرجاری در طول این سال‌ها نداشته‌اند به عنوان مشتریان خوش‌حساب تلقی شده و با رعایت ضوابط ابلاغی بانک مرکزی مشمول تشویقات زیر هستند:

۱. در اولویت بودن دریافت تسهیلات یا قبول تعهدات جدید،

۲. تخفیف نرخ سود تسهیلات حداکثر به میزان ۲ واحد درصد نسبت به حداکثر نرخ سود ابلاغی شورای پول و اعتبار،

۳. اخذ وثایق و تضامین کمتر نسبت به سایر تسهیلات‌گیرندگان.

فهرست مشتریان خوش‌حساب توسط بانک مرکزی به شبکه بانکی اعلام می‌شود.

همچنین ضروری است قواعد مربوط به نحوه محاسبه سود و وجه التزام تسهیلات اعطایی و امهال آن در این طرح بیان گردد تا مبنای عمل بانک‌های کشور قرار گیرد. بدیهی است چنانچه این امر محقق نشود، در آینده مجدداً چنین معضلاتی تکرار خواهد شد. در این راستا پیشنهاد الحاق مواد زیر ارائه می‌شود:

ماده (۳) - تأخیر در پرداخت بدهی سررسید شده، از نظر این قانون «تخلف» محسوب شده و تأخیرکننده مشمول تنبیهات غیرمالی مذکور در ماده (۴) و پرداخت جریمه به شرح مذکور در ماده (۵) می‌شود. مؤسسات اعتباری موظفند فهرست تنبیهات غیرمالی و جریمه‌های مالی ناشی از تأخیر را در هنگام امضای قرارداد به اطلاع مشتری رسانده و در متن قرارداد درج نمایند.

تبصره - منظور از تأخیر در پرداخت بدهی سررسید شده عبارت است از:

۱. عدم پرداخت اقساط تسهیلات با نرخ سود ثابت مانند مرابحه و اجاره به شرط تملیک در سررسیدهای مندرج در قرارداد؛

۲. عدم پرداخت طلب مؤسسه اعتباری در عقود با نرخ سود غیرمعین مانند مشارکت و مضاربه، پس از اتمام یا فسخ قرارداد، محاسبه سود و زیان پروژه، تعیین طلب قطعی مؤسسه اعتباری و توافق بر سر نحوه پرداخت آن. در عقود مزبور، مشتری تنها پس از این مرحله، و در صورت عدم پرداخت به‌موقع اقساط توافق شده، مشمول تنبیهات و جریمه خواهد شد.

۳. عدم اجرای تعهدات مالی که مشتری به واسطه صدور ضمانت‌نامه، گشایش اعتبار اسنادی یا ارائه سایر خدمات بانکی توسط بانک به وی، به نفع بانک برعهده گرفته است.

ماده (۴) - مشتریان بدحساب، متناسب با مبلغ بدهی سررسید شده و پرداخت نشده، با توجه به وضعیت اعتباری مشتری و بسته به نوع شخصیت وی (حقیقی یا حقوقی)، در چارچوب دستورالعملی که به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید، مشمول تمام یا برخی از محدودیت‌های زیر خواهند شد. شورای پول و اعتبار می‌تواند با توجه به شرایط و اوضاع اقتصادی، اعمال برخی از آنها را برای تمام یا بخشی از بدهکاران منتفی نماید:

الف) با تأخیر در پرداخت بدهی سررسید شده، محدودیت‌های زیر در رابطه با مشتری اعمال می‌شود:

۱. کاهش تدریجی سقف مبلغ قابل برداشت و انتقال از حساب‌های بانکی از طریق کارت بانکی یا سایر ابزارهای پرداخت نظیر استفاده از سامانه‌های شتاب، ساتنا و...؛

ب) در صورت تأخیر بیش از چهار ماه، علاوه بر موارد فوق، تنبیهات زیر درباره او اعمال می‌شود:

۱. ممنوعیت دریافت تسهیلات جدید؛

۲. ممنوعیت دریافت ضمانت‌نامه بانکی و گشایش اعتبار اسنادی؛

۳. ممنوعیت انتقال وجه از طریق سامانه‌های انتقال پول، مگر به حساب بانک طلبکار، بابت پرداخت اقساط سررسید شده؛

۴. ممنوعیت افتتاح هرگونه حساب بانکی؛

۵. ممنوعیت دریافت دسته چک جدید.

ج) در صورت تأخیر بیش از ۶ ماه، علاوه بر تنبیهات مذکور در بندهای «الف» و «ب»، تنبیهات زیر درباره وی اعمال خواهد شد:

۱. ممنوعیت استفاده از دسته چک؛

۲. ممنوعیت دریافت خدمات بانکی به تشخیص بانک مرکزی؛

۳. ممنوعیت خرید ارز و تقاضای حواله ارزی،

۴. نقل و انتقال سهام و سایر اوراق بهادار؛

۵. ممنوعیت نقل و انتقال هرگونه اموال منقول و غیرمنقول در دفاتر اسناد رسمی، مگر با موافقت بانک طلبکار؛

۶. ممنوعیت خروج از کشور مگر با موافقت بانک مرکزی.

تبصره - نظارت بر حسن اجرای این ماده برعهده بانک مرکزی است.

ماده (۵) - نرخ جریمه تأخیر در مورد انواع قراردادها توسط شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود. شورای پول و اعتبار موظف است در تعیین نرخ جریمه تأخیر، شرایط و اوضاع اقتصادی کشور را مدنظر قرار داده و عنداللزوم، نرخ‌های جریمه را تعدیل کند.

ماده (۶) - جریمه تأخیر فقط نسبت به مانده اصل بدهی مشتری قابل محاسبه و دریافت است. دریافت هرگونه وجه دیگر تحت عنوان وجه التزام و عناوین مشابه از مشتری یا ضامن وی ممنوع است. همچنین اخذ سود از سود، سود از جریمه و جریمه از جریمه مطلقاً ممنوع بوده و متخلف مشمول مجازات‌های انتظامی خواهد شد.

تبصره - منظور از اصل بدهی مشتری، اصل تسهیلات دریافتی مشتری به علاوه سود مندرج در قرارداد تا سررسید است. سود و جرائم مربوط به بعد از سررسید، جزء اصل بدهی مشتری نیست.

ماده (۷) - وجوه پرداختی توسط مشتری، مادامی که اصل بدهی وی تسویه نشده باشد، بابت تسویه اصل بدهی منظور می‌شود. پس از تسویه اصل بدهی، جریمه جدیدی به مشتری تعلق نمی‌گیرد، لکن تنبیهات غیرمالی تا زمان پرداخت کل جرائم متعلقه برقرار خواهد بود.

